

پیداشدن ۵ کوهنورد

ناپدید شده در خلنو

پنج کوهنورد ناپدید شده در ارتفاعات خلنو، پس از ساعت‌ها جست‌وجوی زمینی و هوایی پیدا شدند.

به گزارش جام جم، شاهین فتحي، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تهران در این‌باره گفت: حوالی ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه جمعه براساس تماس با شماره ۱۱۲ و اعلام حادثه‌ای مبنی برگم شدن دو کوهنورد در ارتفاعات خلنو در منطقه البرز مرکزی، بلافاصله امدادگران پایگاه شمیرانات به

اختصاص

گزارش جام جم از ۳ حادثه غرق‌شدگی مرگبار در سرباز، چابهار و کنگان

مرگ تلخ خانم معلم و ۲ دانش‌آموز در هوتگ

نآشنایی به فن شنا، جان خود را از دست دادند. این اتفاق در حالی رخ داد که پیش از این نیز یک نفر دیگر از اهالی همین روستا در اثر سقوط در آب این رودخانه فوت شده بود. در حادثه دیگر غرق‌شدگی که در منطقه سلور بازار بخش پلان شهرستان چابهار رخ داد، یک خانم معلم



به آب زد که آنها را نجات دهد اما نتوانست و چیزی نمانده بود که خودش هم غرق شود، ولی با دست و پا زدن و کمی شنا کردن توانست خودش را نجات دهد. بعد هم به روستا آمد و حادثه را به ما خبر داد. مردم زمانی به رودخانه رسیدند که دیگر

غرق شدن مادر و ۲ نوجوس در رودخانه

۲۱ اردیبهشت، حوالی ساعت سه و چهار بعدازظهر امسال بود که زبور صلاح‌زهی زاده، شیماسلح‌زهی ناجی، ملک‌ناز صلاح‌زهی اصل به همراه یک خانم دیگر از اهالی همین روستا، تصمیم گرفتند برای شست‌وشوی لباس به کنار رودخانه‌ای بروند که تقریباً در فاصله یک تا سه کیلومتری روستا قرار داشت. آسا صلاح‌زهی، دهیار روستای گورناگ به جام جم می‌گوید: «در روستا، بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ خانوار زندگی می‌کنند. قبلاً چشمه‌ای در روستا وجود داشت که الان حدود یک ماهی است خشک شده. عمق رودخانه‌ای که این بندگان خدا به آنجا رفتند، پنج متر بوده و خطرناک است. البته تقریباً حالت باتلاقی شکل دارد و چون در روستا آب نداریم، بسیاری از مردم برای شستن لباس و حتی استحمام به کنار آن می‌روند.»

لیاقت صلاح‌زهی زاده، دایی زبور - یکی از دخترانی که جانش را در اثر غرق‌شدگی از دست داد - در مورد نحوه وقوع حادثه توضیح می‌دهد: «چون در روستا آب وجود ندارد، همگی آنها بعد از شستن لباس‌ها تصمیم گرفتند خود را در آب بشویند. وقتی یکی از آنها داخل آب افتاد و حالت غرق‌شدگی پیدا کرد، نفر دوم به درون رودخانه پرید تا او را نجات دهد اما نتوانست و نفر سوم به درون آب پرید که او هم گرفتار شد. نفر چهارم در نهایت خودش را

فداکاری؛ آخرین درس خانم معلم

در حادثه دوم غرق‌شدگی که در چابهار رخ داد، معلم فداکاری برای نجات چهار کودک، وارد هوتگ شد که بعد از نجات دو کودک، خودش و دو دختر بچه دیگر، غرق شدند. عبدالباقی حوت، برادر یاسمین حوت است، همان خانم معلم ۲۸ ساله‌ای که از جان عزیز و شیرینی برای نجات کودکان گذشت. هنوز چند ساعت از وقوع این حادثه نگذشته است که با برادر او تماس می‌گیریم. یک چشم برادر خانم معلم اشک است و چشم دیگرش خون.

او با گریه به جام جم می‌گوید: «در این حادثه دردناک، خواهرم یاسمین حوت، برادرزاده‌ام مریم حوت و یکی از اقوام دورمان به نام رقیه حوت را از دست دادم. من نیز معلم هستم و با خواهرم در مدرسه حافظ ماندی رو مشغول به کار بودیم. خواهرم سه سال بود که در این مدرسه درس می‌داد و هر سال هم تدریس کلاس اولی‌ها را به عهده می‌گرفت.

دیروز چون شیفت صبح بچه‌ها امتحان داشتند و امکان برگزاری کلاس‌های حضوری نبود، به خواهرم گفتند به مدرسه نیاید. خواهرم هم نرفت. تصمیم گرفت در روز تعطیلش استراحتی کند و گوشه و کنار محل زندگی مان گشتی بزند. ساعت حوالی ۹ صبح، خواهرم مشغول گشت‌زدن بود که ناگهان متوجه سرو صدا و داد و بیداد بچه‌ها شد. با نگرانی به سمت صدارفت و متوجه شد تعدادی از بچه‌ها درون هوتگی با عمق حدود پنج تا شش متر افتاده‌اند و برای نجات خود دست و پا می‌زنند. خواهرم هم به حکم انسانیت و علاقه‌ای که به بچه‌ها داشت، داخل هوتگ رفت و دو نفر از بچه‌ها را از آب بیرون کشید. بعد از نجات آنها چند ثانیه‌ای نفس گرفت تا دو دختر دیگر را هم از آب بیرون بکشد، ولی تقدیر طور دیگری رقم خورد. آن دو دختر از ترس به خواهرم چسبیده بودند تا از هوتگ نجات‌شان

کنترل و هماهنگی عملیات هلال احمر استان تهران برقرار شد، متوجه شدیم این گروه پنج نفره بوده و احتمال مفقودی سه نفر دیگر هم وجود دارد. دکتر مساعیدیان، مسؤول بخش جست‌وجو و نجات فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی عصر دیروز در این باره به جام جم گفت: این پنج نفر که در قالب دو گروه دوو سه نفره بودند، عصر شنبه پیدا شدند.



اختصاص

دو دختر بچه را از مرگ نجات داد اما وقتی تصمیم گرفت جان دو دختر دیگر را هم نجات دهد، نفس کم آورد و هر سه با هم جان خود را از دست دادند. در بوشهر هم اتفاق مشابهی رخ داد و سه کودک که در خروجی اسکله بندر سیراف در حال شنا و بازی بودند به دلیل شرایط بد جوی غرق شدند.

کار از کار گذشته و سه نفر جان خود را از دست داده بودند. بعد از بیرون کشیدن اجساد، نفر چهارم راه بیمارستان بردیم که دکترها گفتند چون شاهد مرگ سه نفر بوده و داخل رودخانه هم گرفتار شده، سکنه کرده است. اومدتی در بیمارستان بستری بود و اکنون هم با این‌که چند روز از حادثه می‌گذرد، هنوز حال چندان مساعدی ندارد. گاهی نیمه هوشیار است و گاهی بی‌هوش، مشخص نیست چه زمانی حال عمومی‌اش بهتری شود. ما بی آب هستیم و شما که دست‌تان به جایی می‌رسد، به داد ما برسید. در چهار، پنج کیلومتری روستا، رودخانه‌ای است که آبش بهداشتی نیست اما چاره‌ای جز مصرف آن نیست و اگر کسی ماشین یا وسیله‌ای داشته باشد یا ۲۰ لیتری و گالن آب به روستا می‌آورد. ما ۲۲ سال است اینجا زندگی می‌کنیم، اگر آب داشتیم، این اتفاق رخ نمی‌داد و سه خانواده عزادار نمی‌شدند.»

دو نفر از فوتی‌های این حادثه، ۱۶ و ۱۷ ساله بودند. نفر سوم ۲۴ ساله بود و زن نجات‌یافته نیز حدود ۲۵ سال سن دارد. دهیار روستای گورناگ در مورد وضعیت چهار زن حادثه دیده این روستا می‌گوید: «دو نفر از این خانم‌ها متاهل بودند، دو نفر دیگر نامزد داشتند و چیزی به برگزاری مراسم ازدواج‌شان نمانده بود. ما چند بار درخصوص دسترسی به آب به اداره آب و فاضلاب شهرستان سرباز هم نامه زده‌ایم اما بی‌نتیجه بوده است.»

مرگ ۳ کودک در ساحل



در بوشهر نیز ناگهان سه خانواده، عزادار مرگ کودکان خود شدند. عبدالحسین طاهری، رئیس جمعیت هلال احمر شعبه کنگان استان بوشهر در مورد این حادثه گفت: بعد از ظهر سه شنبه بیستم اردیبهشت امسال، سه کودک در خروجی اسکله بندر سیراف در حال شنا و بازی کردن بودند که به بدتر شدن شرایط بد جوی غرق شدند. دو نفر از کودکان غرق شده در ساحل بوشهر، ۹ ساله بودند که با کمک افراد بومی از آب خارج شده و به درمانگاه شهر سیراف منتقل شدند اما تلاش دوساعته احیای کادر پزشکی نتیجه نداد و هر دو جان خود را از دست دادند. در ادامه، به دنبال پیکر کودک سوم غرق شده بودیم اما به دلیل شرایط نامساعد جوی، جسد کودک هفت ساله که در آب افتاده بود، پیدا نشد. جست‌وجوها برای یافتن پیکر تا عصر پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ادامه داشت تا این‌که جسد او نیز کشف و از آب خارج شد.

هوتگ‌ها را هانکند

احسان چهکندی، فعال اجتماعی در منطقه چابهار که مدت‌هاست مشکلات مربوط به اهالی را رصد و رسانه‌ای می‌کند تا باری از دوش مردمان این خطه بردارد، درخصوص خطر ساز بودن هوتگ‌ها می‌گوید: «به دلیل نبود آب آشامیدنی در منطقه، اهالی آب باران را در این هوتگ‌ها جمع‌آوری کرده و از آن برای دام‌ها و مصارف شخصی خود استفاده می‌کنند. البته آب جمع‌شده در این هوتگ‌ها سالم نیست و علاوه بر این‌که رنگ آن سبز است، درون آن نیز انواع جلبک و ناخالصی‌هایی که برای سلامتی مضر است، مشاهده می‌شود. گرچه از جهاتی هوتگ‌ها پرفایده هستند اما در حال حاضر به دلیل آلوده‌ن سازی نشدن، بلای جان کودکانی شده‌اند که اطراف آنها بازی می‌کنند. سال گذشته با انتشار یک اطلاعیه اقدام به جمع‌آوری کمک نقدی برای ایمن‌سازی هوتگ کردم که این امر با کمک برخی خیران و منطقه آزاد چابهار محقق شد اما ایمن‌سازی هوتگ‌ها به یک بودجه اساسی نیاز دارد. امیدواریم مسئولان امر با رد نظر گرفتن وقوع این حادثه دردناک برای خانم معلم فداکار و دو کودک از دست رفته، همچنین وقوع حوادث احتمالی در آینده، چاره‌ای برای تامین بودجه مورد نیاز برای ایمن‌سازی هوتگ‌ها بیاندیشند.»



دهدا اما خواهر فداکارم در ادامه تلاش‌هایش نفس کم آورد و متأسفانه هر سه جان خود را از دست دادند.»

آن طور که برادر خانم معلم به ما می‌گوید، در لحظات طاقت فرسایی که او تلاش می‌کرد تا بچه‌ها را از هوتگ بیرون بکشد، تعدادی از زنان نیز آنجا حضور داشتند اما کسی برای نجات پیشقدم نشد و خانم معلم، تک و تنها بار نجات بچه‌ها را به دوش کشید: «خواهرم به ناگزی طلاهای مراسم عروسی‌اش را خریده بود و ۱۵ روز دیگر قرار بود سر خانه و زندگی‌اش برود که این اتفاق تلخ رخ داد و خواست خدا بود. هوتگ اینجا خیلی زیاد است و گاهی حادثه‌آفرین می‌شود. تا زمانی‌که برای اوقات فراغت بچه‌ها برنامه‌ریزی نشود، این اتفاقات ناگوار باز هم تکرار خواهد شد. باید جایی باشد که بچه‌ها برای بازی به آنجا بروند یا اگر می‌خواهند آبتنی و شنا کنند، به جای هوتگ به استخر بروند. وقتی برنامه‌ریزی نیست و پارک و استخری وجود ندارد، بچه‌ها چه کنند.»

امجد حوت، هم دخترش و خواهرزاده همسرش را از دست داده است، حال او هم دست‌کمی از برادر یاسمین ندارد. قربانیان، اعضای

عدلیه

هم سلولی‌ها، ماموران قلابی جاده‌ها شدند

در تحقیقات گفت: راننده نیسانم و با انبارداران اطراف تهران و کارخانه‌ها همکاری دارم. روز حادثه، پنج دستگاه تلویزیون بار زدم که در مسیر، خودرویی مقابلم متوقف شد. سرنشینان خودرو، سه نفر بودند و می‌گفتند مامور هستند و حکم بازداشت من را به اتهام حمل کالای قاچاق دارند. دست و پای مرا بستند و با سرعت تلویزیون‌ها گریختند.

در ادامه رانندگان دیگری نیز که در دام همان متهمان فراری گرفتار شده بودند با حضور در پلیس آگاهی شکایت‌های مشابهی



عکس نگار



آتش سوزی در حاشیه پلک هیتگر تهران

جلوس مهلندی-جام جم

جام جم

حوادث

یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ ۱۴۰۱ شماره ۶۲۱۳

تلنگر

شکایت از عامل انتقال کرونا

به اتهام قتل

خانواده مرد سالخورده، از مردی به‌دلیل انتقال کرونا به پدرشان و مرگ او، به اتهام قتل عمد شکایت کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، دیروز مردی میانسال با حضور در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای جنایی تهران، از مردی به اتهام قتل عمد پدرش شکایت کرد.

شاکی در جریان تحقیقات گفت: پدر ۸۰ ساله‌ام ساکن یکی از محله‌های شرق تهران بود. با مردی معامله‌های کاری و مالی داشت. این اواخر با هم دچار مشکل شده بودند. پدرم به او یک ماه مهلت داده بود تا مشکل مالی را حل کند. بهار سال گذشته، آنها برای حل مشکل کاری و مالی‌شان قرار ملاقات گذاشتند. ساعاتی بعد، پدرم به خانه بازگشت اما حالش بد بود و نمی‌دانست چرا این‌طور شده است. کمی خوابید اما حالش بدتر شد. او را به بیمارستان بردیم که بعد از انجام آزمایش‌های لازم به من و خانواده‌ام اعلام کردند پدرمان مبتلا به کرونا شده است. با شنیدن این حرف‌ها شوکه شده بودیم، چرا که هیچ‌کدام از اعضای خانواده مبتلا نشده بودیم.

بعد از ۲۴ ساعت، پدرمان فوت شد و داغدار شدیم.

شاکی ادامه داد: دنبال آن مرد بودیم تا حق پدرمان را بگیریم اما وی ناپدید شده بود. بعد از یک سال فهمیدیم در همان زمانی که پدرم در بیمارستان بستری بود و نیز مبتلا به کرونا بوده و به‌صورت پدرمان عطسه کرده است.

محمد جواد شفیعی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران تأکید این خبر به جام جم گفت: خانواده پیرمرد از مرد موردنظر به اتهام قتل عمد شکایت کرد. قرار شد پرونده بالینی مرد فوت شده در اختیار مرجع قضایی قرار گیرد. دستور احضار فرد مفنون هم صادر شده است.

قتل دوست

باتصور مهدور الدمی

پسر جوان که دوستش را با تصور مهدورالدمی به قتل رسانده بود، بعد از نقص حکم دادگاه در دیوان عالی کشور برای دومین بار محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از بهار سال گذشته و با گزارش ناپدید شدن پسر جوانی در تهران آغاز شد. تیم جنایی در جریان تحقیقات متوجه شد، میثم آخرین بار با یکی از دوستانش به نام سیاوش دیده شده است. با کشف این سرنخ، سیاوش دستگیر شد. او در تحقیقات به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت: «میثم مرا آزار داده بود. روز حادثه او را به حوالی فرودگاه امام بردم. در آنجا با هم بر سر آزار و اذیت‌هایش درگیر شدیم. با بالا گرفتن دعوی‌مان، با جاقاؤو را کشتیم و جسدش را آتش زدیم.»

پس از این اعتراف و تکمیل تحقیقات در دادسرا، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و منتهم در شعبه دهم دادگاه کیفری پای میز محاکمه قرار گرفت. در ابتدای این جلسه، اولیای دم برای قاتل فرزندشان درخواست قصاص کردند. سپس سیاوش در جایگاه قرار گرفت و گفت: «من و میثم در دوران مدرسه با هم دوست شدیم. ادعا می‌کرد به سوالات امتحانی دسترسی دارد. مرا به خانه‌شان دعوت کرد و در آنجا مورد آزار قرار داد. به همین خاطر او را کشتیم و جسد را در حاشیه تهران به آتش کشیدیم. میثم یکی دیگر از دوستان مان را آزار داده که می‌توانید از او هم تحقیق کنید.»

جلسه برای تحقیق از دوست متهم تجدید شد که در این جلسه، دوست متهم تأیید کرد از سوی مقتول، مورد آزار قرار گرفته بود.

متهم در آخرین دفاع گفت: «من شنیده بودم اگر کسی تعرض کند، حکمش مرگ است و با این اعتقاد، میثم را کشتیم.» پس از رسیدگی به پرونده، قضات، سیاوش را از مجازات قتل عمدی - قصاص - تبرئه کردند که این حکم در دیوان عالی کشور به دلیل نقضی تأیید نشد. قضات دیوان، خواستار بررسی وضعیت حساب‌های مالی متهم و مقتول شدند. دیروز متهم دوباره در دادگاه کیفری و به صورت غیرعلنی پای میز محاکمه قرار گرفت و دوباره ادعای قبلی خود را تکرار کرد. پرونده به زودی با صدور حکم، دوباره به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود.

بخشش زن شوهرکش

زن تبعه افغانستان که به اتهام قتل شوهرش محکوم به قصاص شده بود، توانست بعد از سه سال رضایت بگیرد و بخشیده شود.

حسین فاضلی هرکندی، رئیس دادگستری استان البرز به جام جم گفت: این زن تبعه افغانستان، سال‌ها با همسرش در ایران زندگی می‌کرد و صاحب دو فرزند خردسال بود. او سال ۹۸ در پی مشاجره لفظی با شوهرش، او را به قتل رساند و بعد از آن به زندان افتاد. اوسه سال قبل حکم قصاص گرفت و در زندان مرکزی کرج به سر می‌برد. سرانجام او که در آستانه قصاص بود با تلاش واحد صلح و سازش دادگستری و زندان، رضایت اولیای دم را جلب کرد.